ادامه از صفحه اول

«سوال کردن» عیب نیست ندانستن عیب است

فرامـوش نکنیم وکیل در همه حال باید غبطه موکل را رعایت کند. پاسـخ روشن اسـت موکل این وکیل مفروض «حق» دارد از او درباره کارهایش سـوال کند اما این وکیل مفروض «تکلیف» دارد از خدمه و کارگران و عمالی که برای انجام امور موکل استخدام و اجیر کرده است، درباره کم و کیف و نحوه و میزان پیشرفت کارها سوال و در صورت لزوم آنها را بازخواسـت و حتی اخـراج و- در صورت احراز سوءنیت در خرابکاری- از نظر کیفری، تعقیب کند. ۳- تشبیه مسایل کلان به امور خرد، تجسم قضایا را آسان‌تر می‌کند: اصل ششم قانون اساسی مقرر داشته «در جمهوری اسلامی ایران کشور باید به اتکای آرا عمومی اداره شود...» اصل پنجاه و ششم می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است... و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.» بالاخره در اصل پنجاه و هشتم آمده است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.» از این اصول به سادگی می‌توان فهمید مردم که صاحبان کشور هستند نمایندگان مجلس را وکیل خود می‌کنند که مملکت را- با رعایت دقیق غبطه و مصلحت موکلین- یعنی مردم- از طریق قوه مجریه اداره کنند. موید این «صاحب حق» و «صاحبکار» بودن مردم مفاد اصل پنجاه و نهم قانون اساسی است که اعمال قوه مقننه- یعنی تعیین سیاست و دستور کار- را در امور بسیار مهم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به همه‌پرسـی و مراجعه مستقیم به آرا مردم موکول کرده اسـت. متن سـوگندنامه وکلای مجلس نیز نوع رابطه ایشان با مردم را به روشنی نشان می‌دهد و الزامی بودن پخش مذاکرات علنی مجلس از رادیو و درج آن در روزنامه رسمی کشور به این منظور است که موکلین و صاحبان کار و کارفرمایان امکان نظارت دایمی بر اقدامات وکلا و کارگزاران خود را داشته باشند (اصل ۶۹ قانون اساسی).

۴- مبحث دوم از فصل ششم قانون اساسی که اصول ۷۱ تا ۹۹ قانون مذکور را در بر می‌گیرد راجع اسـت به اختیارات و صلاحیت مجلس شـورای اسـلامی. آنچه در اصول ۷۱ تا ۹۱ قانون آمده کاملا نشـان می‌دهد قلب کشور در مجلس می‌تپد و وکلای مردم همه اختیارات را برای سیاستگذاری و تمشیت امور موکلین خود دارند و از این‌رو مجلس در رأس امور است. در عین حال در اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی مقرر شـده است: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رییس‌جمهور یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسوول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رییس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد...» شاید از نحوه انشاء این اصل، اینکه سوال کردن- از دیدگاه رابطه نمایندگان یا مردم- حق نمایندگان است یا تکلیف آنها، در نظر اول روشن نباشد. اما از سایر اصول قانون اساسی- که پیشتر برشمردیم و از اصول کلی حاکم بر رابطه وکیل و موکل و بالاخره از: صدر اصل هشتاد و چهارم قانون اساسـی که می‌فرماید: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسوول اسـت...» می‌توان دریافت هرگاه ابهام و ایرادی وجود داشته و رفع آن مستلزم طرح سوال باشد، نماینده یا نمایندگان «مکلف و موظف» در طرح سوال -حسب مورد- از رییس‌جمهور یا وزرا هستند نه «محق یا مخیر» به این کار. زیرا امور مملکت مسایل و حقوق شخصی و فردی نمایندگان نیست تا بتوانند هرگاه دلشان خواست سخت بگیرند و هر وقت مایل بودنـد و به اصطلاح «کوتاه بیایند». ۵- اصل ۱۱۴ قانون اساسی می‌گوید: «رییس‌جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود...» و در اصل ۱۲۲ آمده است: «رییس‌جمهور در حد اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است» و بالاخره اصل ۱۲۳ می‌فرماید: «رییس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسوولان بگذارد.» از این اصول و سایر اصول مربوط به قوه مجریه در قانون اساسـی کاملا روشـن می‌شود. رییس‌جمهور و هیات وزیران هیچ وظیفه- و به عبارت دیگر، چاره‌ای- جز اجرای بی‌چون و چرای مصوبات و سیاسـتگذاری‌های مجلس را ندارند و به عنوان کارگزاران و عمال مردم باید همواره غبطه و صلاح آنها را رعایت کنند و معیار سنجش این رعایت غبطه نیز اجرای درست و کامل مصوبات مجلس است. از این‌رو کل اعضای قوه مجریه باید در تمام اوقات آماده پاسخگویی به وکلای مردم باشند، چون مردم هیچ ابزار قانونی دیگری برای کنترل این مجریان و کارگزاران ندارند و قانون همه این وظیفه را برعهده همین وکلا و نمایندگان گذاشته است. ۶- راهکار و روش اجرای اصل هشتادوهشتم قانون اساسی، درخصوص سـوال از رییس‌جمهور و وزرا، در مواد ۱۹۲ تا ۱۹۷ اصلاحی قانون «آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» آمده است. هر چند برخی از ضوابط پیش‌بینی‌شده در این مواد با توجه به اطلاق مقررات اصل ۸۸ قانون اساسـی در خور تامل اسـت به ویژه مواعد و مهلت‌های تعیین‌شـده برای اقدامات مربوط، با اطلاق قسـمت اخیر اصل ۸۸ سـازگار نیسـت، اما به هر حال نمایندگان با رعایت این مکانیسم و روش، حق- بلکه، به شـرحی که گذشـت تکلیف- سوال دارند و رییس‌جمهور و وزرا نیز به همین ترتیب مکلف به جوابگویی هستند. با بررسی اجمالی سوالات دهگانه یک‌صد نفر از نمایندگان از ریاست محترم جمهوری ملاحظه می‌شود ممکن است برخی از موارد سوال مسایل عقیدتی و سیاسی باشد، اما بعضی از آنها مستقیما به امور مهم معاشی و اقتصادی مردم مربوط است و به هر حال نمایندگان ملت تشخیص داده‌اند طرح این سوالات برای رعایت غبطه موکلین آنها ضـرورت دارد و عمال و کارگزاران و در راس آنها رییس‌جمهور باید این موارد را روشـن کنند. بنابراین آنچه در جراید و رسانه‌ها پیاپی مطرح و فقط فرارسیدن تعطیلات مجلس باعث مسکوت ماندن این مطلب شد، خود سوال‌برانگیز و در خور تامل است. شبهه در اینکه اصلا چنین سوالاتی مطرح شده یا نه؟ آیا تعداد سوال کنندگان کافی بوده یا نه؟ آیا همه سوال کنندگان کماکان بر نظر خود باقی هستند یا نه؟ سوال کنندگان چه کسانی هستند؟ هویت آنها را چه کسانی می‌دانند؟ آیا در شـرایط موجود سـوال از رییس‌جمهور مقرون به مصلحت اسـت یا نه؟ و دهها مـورد دیگر که به اختصار یا تفصیل مطرح شـده، در ذهن این پرسـش را مطرح می‌کند که «چه خبر شده؟» اگر به مثال ابتدای این مقال مراجعه فرمایید احتمالا به این نتیجه خواهد رسید که چنین فرآیندی می‌تواند – و شاید بتوان گفت «باید»- مدام در حال تکرار باشد تا عمال و کارگزاران «حواس‌شان را جمع کنند.» تردیدی نیست عدم انجام «تکلیف» از جانب وکلای مردم آنجا که مکلف به اقدام برای حفظ حقوق موکلین هستند، ناچار باعث خواهد شد موکلین – یعنی مردم- در انتخاب وکیل و نماینده «حواس‌شان را جمع کنند» و کسانی را برگزینند که «سوال کردن» را عیب نمی‌دانند.

سخنگوی شورای نگهبان در گفت‌وگو با «شرق»:

انحلال مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت را به ما اعلام نکرده‌اند

ادامه از صفحه اول

و اگـر این اختلاف‌ها همچنـان ادامه یابد تکلیف‌چیست؟

اگر این اختلاف‌ها به مراحل بالاتری کشیده شود در آن موقع، نیازمند قانونگذاری جدید یا حتی ورود مراجع قضایی اسـت. به هرحال هر یک از قوای سه‌گانه ممکن است تفسـیر خاص خودشـان را داشته باشـند. نفس این اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف‌نظرها امر نامأنوس و غیرمتعارفی نیست؛ اما مهم این است که وقتی اختلافی پدید می‌آید تلاش کنیم از راه و روش خودش مساله را حل کنیم.

شـما تلاش می‌کنید از منظر صـرف حقوقی موضوع را بررسی کنید؛ اما حتی کسانی که از نظر سیاسی به دولت و مجلس نزدیک هستند و در جبهه اصولگرایان قرار می‌گیرند اصطکاک دولت و مجلس را بسیار زیاد می‌دانند. قبول دارید شـورای نگهبان در دولت نهم و مخصوصا در دو سـالی که از دولت دهم گذشته با «تفسـیرهای ویژه‌ای» از سوی قوه مجریه مواجه بوده؟

نام این تفسیرها را هر چیزی که مایل هستید بگذارید؛ ولی این حق برای هر سـه قوه مقننه، مجریه و قضاییه هسـت که تفسیر خودشان را از قانون اعمال کنند. مثلا در بحث ادغام‌ها، ماده ۵۳ قانون برنامه پنجم اعلام کرده بود که دولت مکلف است وزارتخانه‌ها را ادغام و برنامه‌شان را به مجلس ارایه کند؛ برداشتی که دولت داشت این بود که وقتی مکلف به ادغام است پس باید اول ادغام صورت گیرد و بعد برنامه به مجلس برده شود در حالی که مجلس نظرش این بود که باید لایحه ادغام به مجلس ارایه شود و اگر تصویب شد، دولت مجاز به ادغام خواهد بود.

این دو برداشـت از قانون است و هر دو برداشت نیز ممکن اسـت در جای خود دلایل خاص خودش را داشـته باشـد. اما سرانجام شورای نگهبان در این خصوص اظهار نظر کرد و گفت قطعا باید لایحه ادغام‌ها در ابتدا به مجلس برود و اگر از سـوی مجلس تصویب شد، بعد ادغام وزارتخانه‌ها قانونی می‌شود.

عرض من این اسـت که چنین مواردی طبیعی است. البته ممکن است در دوره‌ای این‌گونه اختلافات زیادتر یا کمتر باشد. مثلا در دوره‌ای که آقای خاتمی رییس‌جمهور بودند ایشان اعتقاد داشتند که رییس‌جمهور به استناد اصل ۱۱۳ اختیاراتی دارد و تصمیم گرفتند این اختیارات را از طریق مجلس افزایش دهند. حتی ایشان معتقد بودند که این اختیارات تا حدی می‌تواند باشد که متخلفان از قانون اساسی را به محاکم قضایی معرفی کنند.

منظورتان همان لوایح دوگانه مشهور است؟

بله! همان لوایحی که تحت عنوان لایحه‌های دوگانه مطرح شد که یکی از آنها مربوط به اختیارات رییس‌جمهور بود. این برداشت از قانون در شورای نگهبان تفسیر و سپس اعلام شد که رییس‌جمهور براساس اصول قانون اساسی ما چنین اختیاراتی ندارد.

آنجا یـک تفاوتی وجـود داشـت؛ در آن زمـان دولت برداشـت مورد نظرش را در قالـب لایحه‌ای به مجلس ارایه کرد و پرسـید که آیا چنین برداشتی مورد تایید است یا نه که البته در نهایت در میان همراهی مجلس ششـم، شورای نگهبان اعلام کرد پاسـخ منفی است و دولت هم پذیرفت. دقیقا تفاوت در مثالی که شما گفتید با شرایط کنونی در این است که اینجا بحث از سماجت بر یک برداشت و عدم کوتاه آمدن از آن است؟

البته، شاید بتوانیم تایید کنیم که در دولت نهم و دهم تعداد این اختلافات یک مقدار با توجه به برداشت‌های متفاوتی که از قانون از طرف دولت وجود دارد، افزایش پیدا کرده است.

سال گذشته همین برداشت‌های ویژه دولت از قانون، کار را به جایی کشـید که کمیته حل اختلافی از سـوی رهبری میان مجلس و دولت ایجاد شد.

بله! «کارگـروه حل اختلاف بین دولـت و مجلس» بعد از درخواست آقای رییس‌جمهور از مقام معظم رهبری برای حل برخی از اختلافاتی که وجود داشت، ایجاد شد. معظم‌له موضوع را به شـورای نگهبان ارجاع دادنـد و تاکید کردند که با حضور نمایندگانی از مجلس، دولت، شـورای نگهبان و کارشناسـان حقوقی موضوع را بررسی و نتیجه را اعلام کنید.

جلسه‌ها تا آبان‌ماه سال گذشته ادامه یافت؟

بله!

و چرا الان در حالی که بر حجم اختلاف‌های افزوده شده، آن کارگروه کارش را ادامه نمی‌دهد؟

کارگـروه در آن چارچوبی بود که موارد اختلافی را که آقای رییس‌جمهور خدمت مقام معظـم رهبری تقدیم کرده بودند، بررسی کند نه موارد خارج از آن درخواست را. وقتی به آن موارد رسیدگی شد و به یک جمع‌بندی رسید گزارش را خدمت مقام معظم رهبری تقدیم کردیم تا هر تصمیمی که ایشان بگیرند، انجام شود.

جالب آنکه بعد از اعلام نتیجه کارگروه برخی نمایندگان موضع گرفتند و گفتند که نتیجه اعلام‌شـده نظر کارگروه نبوده، بلکه نظر شخصی دبیر شورای نگهبان است. آیا اگر باز هم این کارگروه شروع به کار کند جهت رفع اختلاف‌های روزافزون کنونی میان مجلس و دولت کمکی می‌کند؟

برداشت دوستان ما در مجلس از اهدافی که کارگروه داشت و اقداماتی که در کارگروه انجام شد، برداشت خیلی صحیحی نبوده است. از سوی دولت نیز اعتراضاتی داشتیم که نتایج کارگروه مورد توافق نظر آنها نبوده و نیست؛ البته ما هم قرار نبود نظر مجلس یا نظر دولت را غلبه دهیم. در واقع ماحصل مذاکرات بررسـی و نظرات طرفین شـنیده شـد، بحث‌های مختلف انجام شد و در مجموع برآیند آن را خدمت مقام معظم رهبری تقدیم کردیم.

اسـتدلال نمایندگان این بود که آن کارگروه تشـکیل شـده بـود تا تفسـیرهای ویژه دولـت از قانون کـه به نظر برخی نمایندگان دردسرسـاز می‌شد، حل شود اما خروجی و بـرون‌داد آن تاییـد افزایـش اختیـارات بیشـتری برای رییس‌جمهور بود.

این‌طور نبود؛ اگر دوستان توجه کنند و گزارش نهایی ما را یک‌بار دیگر مرور کننـد، در برخی از موارد نظر دولت پذیرفته شـده است و در جایی دیگر نظر مجلس و در جاهایی نیز نظر هیچ‌کدام و البته اینکه مقام معظم رهبری در چه چارچوبی از آن گزارش استفاده می‌کنند، نکته دیگری است.

این‌طور نبود که در نهایت در گزارش شـما طرف دولت گرفته شده باشد؟

همچنان از استدلال‌های حقوقی آن گزارش دفاع می‌کنم.

عکس: آیدین رهبر، شرق

ماموریت کارگروه پایان یافته است؟

بله!

برخـی از اصولگرایان با بالاگرفتن جـدل میان دولت و مجلـس خواسـتار ادامه کارگروه جهت حـل اختلاف میان دولت و مجلس شدند.

من از این موضوع خبر ندارم.

با نزدیک شـدن به زمان برگزاری انتخابات مجلس نهم از طـرف بخشـی از جریان اصولگرا بحـث کمیته صیانت از آرا مطـرح می‌شـود؛ کمیته‌ای که طـرح آن از اصلاح‌طلبان شروع شده و به اصولگراها رسیده. چه اتفاقی افتاده که همه گروه‌های سیاسی راجع به کمیته صیانت از آرا حرف می‌زنند؟

به نظر من این یک بحث انحرافی اسـت. هیچ‌کس حق ندارد در انتخابات دخالت کند. براساس قانون اساسی هیچ نهاد قانونی و هیچ مرجع دیگری را برای نظارت بر انتخابات صالح نمی‌دانیم به جز شورای نگهبان. حتی در سال‌های گذشته که برخی از نهادهای ناظر قصد داشـتند به نوعی بر بخش‌هایی از انتخابات نظارت داشـته باشند، ازسوی اعضای شورا اعلام شد؛ این نهادها برای ورود و دخالت در امر نظارت بر انتخابات صالح‌نیستند.

چه نهادهایی را می‌گویید؟

مثلا سـازمان بازرسی کل کشور در سال ۷۵. نظر اجماعی اعضای شـورای نگهبان این است که هیچ مرجع دیگری برای ورود بـه امر انتخابات به جز این شـورا صالح نیسـت. بنابراین بحث‌هایی که برخی افراد یا آگاهانه یا ناآگاهانه مطرح می‌کنند بحث‌های انحرافی اسـت و البته به نظـر من مطرح کردن این موضوعات به مصلحت کشور نیست.

یک وقتی فقط از سوی یک طیف سیاسی بحث صیانت از آرا مطرح می‌شـود و خب شـما از کنار طرح این موضوع می‌گذریـد. امـا وقتی از سـوی دو جناح اصلـی در فواصل مختلف بحث صیانت از آرا پیش‌کشیده می‌شود؛ این سوال ایجاد می‌شود که چرا رقیبان بر یک موضوع؛ یعنی صیانت از آرا تاکید دارند. ریشـه این تاکید در چیست؟ به نظر شما ریشه مطرح شدن بحث صیانت از آرا را می‌توان در عملکرد شورای نگهبان دید؟

خیر! فکر نمی‌کنم بحث صیانت از آرا که اخیرا مطرح شده از طرف اصولگرایان باشد. در انتخابات پیشین دوستان اصلاح‌طلب رسما بحث کمیته صیانت از آرا را مطرح کردند. اما الان گروه‌های بی‌هویتی این موضوع را پیش کشیده‌اند. من نشنیدم که گروه مشخصی از اصولگرایان این موضوع را مطرح کرده باشند؛ به نظر می‌رسد گاهی‌اوقات فضاهای انتخاباتی است که موجب می‌شود برخی از گروه‌ها به خاطر جلب توجه مردم از این حرف‌ها بزنند.

یعنی به زعم شـما اصولگراها در صیانت از آرایشان، به شورای نگهبان اطمینان کامل دارند؟

به نظرم همه گروه‌ها به شورای نگهبان اطمینان دارند. یعنی گروه‌هایی که منصف باشـند به عملکردی که شورای نگهبان داشته باید اطمینان داشته باشند.

مگـر چه اشـکالی دارد احـزاب و جبهه‌های سیاسـی خواستار صیانت از آرایشان باشند؟

اشکالی ندارد. این حق همه مردم است که به دنبال حفاظت از آرایشان در انتخابات باشند، اما به وسیله مکانیزم و سازوکاری که در قانون پیش‌بینی شده است. اینجا هم یک بحث حقوقی پیش می‌آید کـه با چه مجوزی، این کار باید صورت گیرد. اگر قانون چنین تجویزی داشته باشد که گروه‌های سیاسی کمیته صیانت از آرا داشته باشند، ما هم می‌پذیریم و هیچ‌گونه مشکلی نداریم. اما وقتی قانون اساسی در اصل ۹۹ نظارت بر انتخابات را فقط و فقط برعهده شورای نگهبان قرار داده است، هیچ مرجع دیگری نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد.

پس نظر شورا درخصوص صیانت از آرا چه اصلاح‌طلبان خواهانش باشـند، چه اصولگرایان یا هر گروه دیگری منفی است؟

بله! در واقع ما در بحث انتخابات و صیانت از آرای مردم برای شورای نگهبان رقیب نمی‌پذیریم.

بحث «کمیته مسـتقل» برگـزاری انتخابـات را چقدر اجرایی می‌دانید؟

مفهومی ندارد.

جالب است که برخی از اصولگراها هم خواستار تشکیل یک کمیته مستقل برای برگزاری انتخابات‌ها هستند.

برای ما در شورای نگهبان فرقی نمی‌کند که این افراد دارای چه دیدگاهی باشـند؛ اصلاح‌طلب یا اصولگرا. چنین خواستی قانونی نیسـت و ما هم یـاد گرفته‌ایم که حـرف غیرقانونی را نپذیریم.

ریشـه این موضوع را هم در عملکرد شـورای نگهبان نمی‌بینید؟

اصلا و ابدا.

در انتخابات مختلف ما شاهد بودیم درصد بسیار بیشتری از افـرادی کـه رد صلاحیت می‌شـوند از طیـف اصلاح‌طلب هسـتند و این سوال همیشـه در اذهان پیش می‌آید که چرا نامزدهای این طیف بسیار کمتر از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند و رد صلاحیت‌هایشان گسترده‌تر است.

آنچه ملاک ماست قانون است. نمی‌خواهم جناح یا گروهی را متهم کنم بنابراین اسمی هم نمی‌برم؛ ولی وقتی که می‌بینید در یک دوره مجلس، کسانی که علیه قانون اساسی موضع‌گیری می‌کنند عمدتا به یکی از جناح‌های موجود در کشور منسوب هستند، طبعا اینها رفتارشان با شرایطی که در قانون انتخابات وجود دارد مغایر است.

شما می‌گویید که در بررسی صلاحیت‌ها به کتاب قانون مراجعه می‌کنید امـا برخی معتقدند نوع رد صلاحیت‌ها به گونه‌ای است که مثلا در انتخابات مجلس، عملا جناح‌بندی مجلس آینده پیش از رای دادن مردم مشخص است. یعنی پیـش از اینکه مردم آرایشـان را در صندوق‌ها بریزند با رد صلاحیت طیف گسـترده‌ای از یک جناح مواجه می‌شـوند که عملا منجر به عدم حضور کاندیداهای آنها در بسـیاری از حوزه‌هـای انتخابیه می‌شـود و این حس ایجاد می‌شـود که انگار جناح‌بندی سیاسـی از نوع خروجی دادن شورای نگهبان تعیین می‌شود.

من این را قبول ندارم. قانون برای ما به عنوان یک نهاد ناظر، شرایطی را تعیین کرده است و ما باید این شرایط را بر مصادیق منطبق کنیم. ما به اینکه افراد چه رنگی هستند کاری نداریم. وقتی که یک رنگ شرایطش با قانون همخوانی ندارد ناچاریم که از حضور آن یک رنگ جلوگیری کنیم.

سـوال مـن هم این اسـت که چـرا اکثریـت مطلق رد صلاحیت‌شدگان از یک رنگ هستند؟

این را باید از آنها سوال کنید. اینکه چرا رفتار آنها با قانون مغایر اسـت. حرف ما این است که چه کسانی بیشتر علیه نهادهای نظام و منافع ملی نظام عمل کرده‌اند. چه کسـانی علیه منافع نظام، گفتار یا رفتارهایی داشته‌اند. ما باید اینها را بسـنجیم. بارهـا اعلام کرده‌ایم کـه حاضریم به تک‌تک داوطلبـان دلایل رد صلاحیت‌شـان را اعلام کنیم. وقتی با بسیاری از رد صلاحیت‌شدگان صحبت می‌شود آنها دلایل رد صلاحیت‌شان را قبول می‌کنند ولی وقتی که از در شورا بیرون می‌روند، می‌گویند شورای نگهبان دلایل قانع‌کننده برای ما ارایه نکرد. شما اگر جای ما باشید چه‌کار می‌کنید؟ در مجلس هفتم شما شـاهد بودید افرادی که شاید انتظار نداشـتید وارد مجلس شوند، وارد شدند چون ما مستنداتی علیه آنان نداشتیم.

در همین بحث رد صلاحیت‌ها، بعضی‌ها می‌گویند دلیل رد صلاحیت‌شـان را علنـی اعلام کنید، اما شـما این کار را نمی‌کنید.

قانون اجازه نمی‌دهد.

اما رد صلاحیت شده خودش مجوز داده.

این مثل این می‌ماند که خدای ناکرده کسـی مرتکب یک عمل خلاف شود و بعد بیاید به قاضی دادگاه بگوید شما حکم من را رسـما اعلام کنید آن هم در حالی که دادگاه طبق قانون منع شده حکم این فرد را علنی کند.

شـما اعلام کرده‌اید که براسـاس عضویت در گروه‌های سیاسـی راجع به صلاحیت افراد برای نامزدی در انتخابات اظهارنظر نمی‌کنید. این در حالی اسـت که کسانی در مورد جریان سیاسـی اصلاح‌طلب شـرط و شـروطی برای بقای سیاسـی و کنش در انتخابات‌ها اعلام کرده‌اند؛ مایلم بدانم آیا شما شرط‌هایی که نهادهای دیگر می‌گذارند را در بررسی صلاحیت‌ها تاثیرگذار می‌بینید؟

خوشبختانه ما در کشوری قرار داریم که هر کسی می‌تواند اظهارنظر کند؛ حالا چه مقامات رسـمی باشند چه مردم. بیان این‌گونه مطالب هیچ اشـکالی ندارد. بـه هرحال مطالبی ذکر می‌شـود و هرکسی هم براسـاس وظایفی که دارد یا احساسی که نسبت به جایگاه خودش دارد، می‌تواند اظهار نظر کند. منعی بر این حرف‌ها نیست. ما بدون توجه به اینکه فرد متعلق به چه گروه، جناح یا دسـته‌ای است رفتارها را بررسی می‌کنیم. چون در قانون تنها گروه و جناح‌های ممنوع، گروه‌های ضدانقلاب یا احزاب منحله هستند.

و مثـلا جبهه مشـارکت و سـازمان مجاهدیـن انقلاب اسـلامی به عنوان دو حزب شـاخص اصلاح‌طلـب در کدام دسته قرار می‌گیرند؟

نمی‌دانم! اگر قانون اینها را منحل اعلام کرده است، منحله هستند و گرنه خب نیستند.

بـه شـورای نگهبـان اعـلام شـده کـه ایـن دو حزب اصلاح‌طلب منحل شده‌اند؟

رسما چیزی به ما اعلام نشده است.

ادامه در صفحه۶

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **اعلام فراخوان عمومی برای رفع مشکل کارخانجات:** ۸۱ سال پیش در قائمشهر کارخانه نساجی ساخته شد و به همین جهت پیشکسوت شهرهای صنعتی نساجی ایران اسـت. چهارشنبه کارگران نساجی قائمشهر که از سـال‌های ۸۸، ۸۹ و ۹۰ مجموعا ۹ ماه حقوق سال‌های ۸۸ و ۸۹ را طلب داشـتند روبه‌روی فرمانداری قائمشهر و استانداری مازندران تجمع کردند. بار تکفل در جامعه کارگری بالا و منابع مالی این شهر با توجه به رکود پایین است. آیا به درستی نمی‌توان به مشکلات آنها رسیدگی کرد. اگر مسوولان قادر به رسیدگی نیستند لطف کنند فراخوان عمومی بدهند تا بـه روش علمی برای آنها راه حل پیدا کنند.

حاجیان از مازندران

■ **عدم بهداشت در یک بیمارستان:** درخصوص پیامی که یکی از شهروندان درخصوص بیمارستان ... داده بودند، می‌خواستم عرض کنم در این بیمارستان بهداشت آنچنان که باید رعایت نمی‌شود. بنده خودم چهار ماه پیش آنجا بودم و شاهد عدم رعایت بهداشت از طرف این بیمارستان بودم که هیچ نوع بهداشـتی در این بیمارسـتان رعایت نمی‌شد. بیمار ما از صبح تا شب روی ویلچر نشسته بود، اکسیژن خودمان به او وصل بود. مریض‌ها در حالت خیلی بدی بودند. با توجه به اینکه این بیمارستان، بیمارستان فوق‌تخصصی ریه است و مراجعه‌کنندگان بسیاری هم دارد بهتر است به وضعیت آن بیشتر رسیدگی شود.

یک شهروند

■ **چاره‌ای بـرای معالجات دندان‌ها:** یکی از مهم‌ترین بخش‌های سـلامتی جسـمی هـر فرد سـالم بودن دندان‌ها اسـت ولی متاسـفانه به دلیل گـران بودن معالجـات دنـدان، بسـیاری از اشـخاص آن را بـه تعویـق می‌اندازند و به کلـی از معالجات آن منصرف می‌شـوند تا کار به مراحل حاد و پرهزینه‌تر می‌رسد. بنابر این ضروری است به خاطر حفظ شادابی و سلامت جامعه دولت محتـرم طی دسـتورالعملی لازم‌الاجرا تمامی مراکز پزشـکی و دندانپزشـکی تحت پوشش سـازمان بیمه‌های تامین اجتماعی در سطح کشور را مکلف و موظف به پذیرش بیماران مبتلا به بیماری‌های دهان و دندان به‌طـور کامل و به صورت کاملا رایگان اعم از ریشـه، عصب‌کشـی، روکش و پروتـز دندان و جراحی‌های لازم کنند.

محمود بلیغیان از اصفهان

■ **وضع نابسامان کشاورزی:** بنده یک کشاورز هستم. در پی بی‌توجهی مسوولان نسبت به بخش کشاورزی به ویژه به باغداران و واردات بی‌رویه محصولات باغی، کشاورزان به شدت در حال ورشکستگی هستند. متاسفانه شما هم در این مورد مطلبی نمی‌نویسید.

یک کشاورز از گلستان

پاساژ ایران صنعت
بازار قطعات خودرو ایران

در راستای ایجاد بازاری متمرکز در ارتباط با تامین قطعات یدکی خودرو بر آن شدیم جهت رفع نیاز فروشندگان و تولید کنندگان محصولات مرتبط با خودرو ، مجموعه ای درخشان و برخوردار از آخرین استانداردهای روز را با شرایط استثنایی به متقاضیان محترم واگذار نماییم.
مجموعه مذکور در حال حاضر کاملترین مرکز تامین انواع قطعات یدکی و لوازم جانبی برای کلیه برند های خودروهای موجود در ایران می باشد که هم اکنون در حال بهره برداری و واگذاری به متقاضیان است.
امکانات رفاهی مجموعه به شرح زیر می باشد.

- ۱۵۰۰ مترمربع تجاری - ۳۰۰ مترمربع انباری
- آسانسور با ظرفیت ۱۵ نفر
- سه طبقه تجاری ، هرطبقه ۲۵ واحد
- واحد های تجاری با متراژ متنوع
- سیستم تهویه مطبوع
- پله برقی رفت و برگشت به طبقه اول و همکف
- سیستم هوشمند اطفاء حریق
- تجهیز هر واحد به لوله کشی آب سرد و گرم

۳۳۱۱۳۱۵۴
۸۸۳۳۰۷۳۸
فروش واحد های تجاری
دربازار قطعات خودرو ایران
پاساژ ایران صنعت
خیابان امیر کبیر، روبروی مسجد سراج ، پلاک ۳۷۴ الی ۳۸۰

ایران صنعت
پیشرو در ارائه خدمات و فن آوری نوین
تلفن ۳۳۱۱۳۱۵۴ ۸۸۳۳۰۷۳۸
فاکس ۸۸۳۳۰۷۳۷